

شماره مسلسل ۱۷۶۷۸۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِالْغَيْثِ مُبَارَكٌ

در تعقیب روباه
(فیلمنامه)

سادنیک چم



انتشارات نظری

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : در تعقیب روباه / سادنیک جم؛ ویراستار رایموند میساقیان
مشخصات نشر : تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری : ۱۲۸ ص
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۸۹۳-۷
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
موضوع : فیلم‌نامه های فارسی
موضوع : میساقیان، رایموند- ویراستار
رده بندی کنگره : PN۱۹۹۷ / ۲ / ۵۳۴ ۱۳۹۶
رده بندی ۱۰ : ۷۹۱/۴۳۷۲
شماره ۲ شناسه ملی : ۵۰۴۸۶۰۳

نام کتاب : تعقیب روباه
نویسنده : سادنیک جم
ویراستار : رایموند میساقیان
طراح جلد : فائزه حسینیان
نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۷
شمارگان : ۵۰۰

« کلیه حقوق مادی، چاپ و نشر مخصوص و محفوظ است و هر چه باشد »

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال الدین
اسدآبادی (یوسف آباد)، نبش خیابان فتحی شقاقی، جنب بانک نصار

پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۱۷

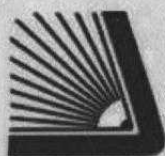
E-mail: nazaribook@yahoo.com

www.nashrenazari.com

تلفن : ۸۸۱۰۲۷۷۵

همراه : ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

قیمت ۱۱۰۰۰ ریال



انتشارات نظری

قسم به عشق و قلم

همه فرزندان خلع دارند

من بی چاره، ناخلف پدری

دم. اشراف»

مقدمه

گرچه انسان را مختار و صاحب اراده دانسته‌اند و گفته‌اند: وقتی بشر اراده کند و در پای اراده‌اش بایستد و پایداری و مقاومت کند در برابر هدف خود می‌رسد اما واقعیت امر این است که این سخنان اگر هم درست باشد، تنها بخشی از واقعیت را در بر دارد و بخش مهم و اصلی آن در دست عوامل و شرایطی است که در خارج از حوزه اقتدار انسان است به سخن دیگر ما رهاورد و دستاورد تصادف‌ها و حادثه‌ها هستیم.

ماجرای زندگی ماندانا نمودی از همین سخنی است که بر آن به تاکید پای فشرده می‌شود.

همه ما زاده پدر و مادری هستیم که نخستین درس‌های زندگی و نخستین شیوه زیستن را در دامن آنان می‌آموزیم و از آنان الگو برمی‌داریم. مادر نخستین آموزگار ما و پدر نخستین الگوی زندگی‌مان می‌شود.

زمانی که مادر ناخلف شد و به جای عشق ورزیدن به خانواده و همسر و کودکان در پرورش فرزندان، در پی خواسته‌ها، آرزوها و هوس‌های خود رفت، بی‌گمان پدر نیز راه دیگری را در پیش می‌گیرد و گرچه هر دوی آنان دچار مشکلات عینی می‌شوند ولی کسانی که در این میان قربانی می‌شوند، در اصل فرزندان هستند که به مسلخ برده شده و زندگی‌شان به ویرانی کشانده می‌شود.

ماندانا، فرزند صادق است. دردناک‌تر این که پدر در این میانه گناهکار نیست که مادر، هوسران است و در آشفته حال و پریشان.

دختر که پس از جدایی پدر و مادر با ناگزیر به مادر پناه می‌برد تا در سایه حمایت او زندگی کند، با مشاهده درس‌بازی‌های مادر به نزد پدر بازمی‌گردد، اما از سوی نامادری نیز رانده می‌شود و این گرچه است که انگ دختر خیابانی بر پیشانی او می‌نشیند.

حدیث ماندانا، روایت ده‌ها و صدها دختر دیگر است و اگرچه قصه ماندانا، پس از آن همه دربه‌دری به فرجامی خوش می‌رسد، اما همه دختران خیابانی، آن بختی را ندارند که با ماندانا یار شد و از منجلا ب نجات یافت.

تا باد چنین بادا

سادینک چم